

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human Rights

حقوق بشر

نشریه پیشرو شماره ۵۳

۲۲ جنوری ۲۰۱۸

یاد و خاطره برف کفنان یکاولنگ را گرامی می داریم!

و باز هم جدی رسید، ماه خون، ماه اشک، ماه برف کفنان یکاولنگ، ماهی که بیش از ۳۵۰ انسان زحمتکش به وسیله وحوش طالبی سلاخی و تیرباران شدند و خون شان بر برف های یکاولنگ شکوفه زد و روی تیکه داران قومی و جنگسالاران را برای همیشه سیاه و سیاه تر کرد.

در زمستان سال ۱۳۷۹ ولسوالی یکاولنگ ولایت بامیان اسیر گروه جنایتکار طالب گردید. ولسوال طالبان سید صوفی گردیزی (این شخص سالهاست در حزب وحدت محقق فعالیت دارد) با تعدادی از نیروهایش بر یکاولنگ حکومت کرد و حزب وحدت که از طالبان شکست سختی خورده بود، به دره صوف ولایت سمنگان پناه برده بود، زمزمه هائی شنیده می شد که حزب وحدت قرار است در زمستان بالای یکاولنگ حمله کرده و آن را تصرف نماید. این موضوع مردم منطقه را سخت نگران کرده بود تا این که تعدادی از متنفذان و موسفیدان به دره صوف نزد خلیلی رفته و برایش توصیه کردند که در زمستان بالای یکاولنگ حمله نکند و در صورت حمله توده های بیچاره این ولسوالی از سرمای زمستان تلف خواهند شد؛ خلیلی هم ظاهراً به موسفیدان قول می دهد که به یکاولنگ حمله نکند و بدین لحاظ مردم با خاطر آسوده مشغول زندگی بخور و نمیر و فقیرانه خود شدند.

چند روز از آمدن موسفیدان از دره صوف به یکاولنگ نگذشته بود که نیروهای حزب وحدت از سمت بند امیر بالای یکاولنگ حمله کرده و بدون مقاومت طالبان یکاولنگ را تصرف کردند. دو روز از تصرف یکاولنگ به دست حزب وحدت نگذشته بود که طالبان به تلافی شکست و پس گیری یکاولنگ از وحدتی ها، چند صد طالب جنایتکار و مجهز را از مرکز بامیان به ولسوالی یکاولنگ اعزام کردند. تفنگ به دوشان حزب وحدت که روحیه جنگ نداشته و قبلاً شکست های پیهم از گروه طالبان خورده بودند، این بار نیز بدون مقاومت و جنگ ولسوالی را رها و در قریه ها و خانه هائی که اطراف ولسوالی قرار داشتند گریخته و پناه گرفتند و بالای نیروهای طالب از بین قریه ها و خانه های مردم فیر را شروع کردند.

طالبان این پیام آوران مرگ و وحشت که جز قتل، غارت و توهین چیزی بلد نبودند با تصور این که نیروهای که از هر جا و هر منطقه بالای شان فیر می کردند از همان قریه و مربوط حزب وحدت می باشد، لذا سیاه دلان کور دل طالب را به قریه ها اعزام و هر فرد جوان یا پیری که به دست شان افتاد با خود به ولسوالی آوردند. نیروهای طالب در روز ۱۸ و ۱۹ جدی که سردی طاقت فرسا و برف سنگینی همه جا را فرا گرفته بود از قریه های یکاولنگ «آخذان، کشکک، کته خانه، بید مشکین، گرد بید، جمک، فیروز بهار، دهن کنک، لیلور، گنبدی و...» بیش از ۳۵۰ تن از فقیر ترین،

ندارترین و زحمتکش ترین افراد را با پای برهنه روی برف جمع کرده و در پشت مؤسسه آکسفام و دهن شوراب با دست های بسته تیرباران کردند.

سه شبانه روز اجساد شهداء روی برف افتاده و طالبان به کسی اجازه گردآوری و دفن شهداء را ندادند. چون تعداد اندکی از مردانی که از هر قریه باقی مانده بود همگی به کوه ها فرار کرده بودند، بعد از گذشت سه روز فرمان «عفو» از سوی طالبان اعلام شد و چند نفر پیر مرد از هر قریه اجساد شهداء را که به علت سردی هوا با هم چسبیده بودند، جمع آوری و با موتر کاماز به قریه ها انتقال دادند. در هر قریه محشری بر پا شده بود، یکی شوهرش سوراخ سوراخ شده بود، یکی برادرش تکه تکه شده بود، یکی فرزندش سلاخی شده بود و یکی چند تن از عزیزان خویش را از دست داده بود. هیچ خانه ای بدون ماتم نبود؛ تکیه خانه ها پر از اجساد شهداء بودند، بازماندگان شهداء آنقدر گریسته بودند که دیگر اشکی برای شان باقی نمانده بود. بالاخره با همت زنان و موسفیدانی که در قریه ها باقی مانده بود، اجساد در گورهای دسته جمعی دفن شدند. این انسان های بی گناه که توسط طالبان و به تحریک حزب وحدت سلاخی شدند از اقشار پائین جامعه بودند و هیچ پیوندی با هیچ حزب و تنظیمی نداشتند.

بعد از قتل عام یکاولنگ نیروهای خلیلی به دره چاشت گریختند و منتظر فرصت ماندند تا طالبان را از ولسوالی یکاولنگ بیرون کنند. در اواخر ماه ثور سال ۱۳۸۰ افراد حزب وحدت دوباره به ولسوالی حمله کردند و ولسوالی را تصرف نموده و به اذیت و آزار مردم و غارت دکان ها و خانه ها، پایمال نمودن کشت مردم توسط اسپ هایشان پرداختند، تا این که بار دیگر نیروی عظیمی از طالبان به یکاولنگ رفته نیروهای خلیلی را دوانده و یکاولنگ را این بار به آتش کشیدند. یک هفته خانه ها و بازار یکاولنگ می سوخت، فضای زیبا و دلنشین یکاولنگ در بهار ۱۳۸۰ پر از دود و خاکستر شده بود. تمام قریه ها از سکنه خالی شده بودند و جز وحشت و ویرانی چیزی به چشم نمی خورد. شهر و دکان ها به تلی از مخروبه و خاک و خاکستر مبدل شده بود و کسی تا فاصله ۲۰ کیلومتری ولسوالی دیده نمی شد.

با وجود این همه جنایت و شناعت بر توده های بیچاره ولسوالی یکاولنگ از سوی طالبان و حزب وحدت، با دیده درائی یکی از رهبران حزب وحدت گفته بود، کسانی که در یکاولنگ کشته شدند طالب بودند و با بیرق طالب به استقبال «پسران کاکای» شان رفته بودند و حق شان بود که کشته شوند. وحدتی ها ناجوانمردانه بر مرگ عزیزان یکاولنگ قهقهه سر دادند و بد مستی کردند. تنظیم های ساخت ایران مستقر در مناطق مرکزی مانند دیگر همپاله های شان که در حالت نزاع قرار داشتند و خونخواران طالبی حال شان را حسابی جا آورده بود با پیش آمدن ۱۱ سپتمبر و با حمایت (ب. ۵۲) جان تازه ای در کالبد شان دمیده شد و یک شبه همه نکتائی پوش، «دموکرات» و «مدرن» شدند. به این ترتیب ورق جدیدی از تاریخ کشور که با اشغال، تجاوز، بمبارد، فقر، بیکاری و بدبختی توده ها همراه بود، گشوده شد.

نشریه «پیشرو» خود را در غم عزیزان یکاولنگ شریک دانسته و بازوان مردم را در انتقام از قاتلان ملت ستبر و نیرومند می خواهد. «پیشرو» به خاطر همدردی و غمشریکی با بازماندگان شهداء در سال های گذشته برای اولین بار عکس و نام شهدای یکاولنگ را توسط دوستان، خوانندگان و وارثان شهداء جمع آوری و به نشر سپرد و با تهیه فلم مستندی خواست دین خود را در قبال شهدای یکاولنگ در حد توان اداء نماید تا باشد این یادواره ها همچون خنجر بر قلب تیکه داران قومی و نوکران سرسپرده استعمار عمیق تر و برنده تر فرود آید.

دست اندرکاران نشریه «پیشرو» بار دیگر یاد و خاطره برف کفنان شهدای یکاولنگ را گرمی داشته و به روان شهدای این حادثه خونین ادای احترام می نمایند.